

اشتغال کودک از منظر فقه و حقوق؛ تحلیلی بر چالش‌ها و اقتضائات معاصر

هاجر مشیریان اصل^۱، سید مهدی جوکار^۲، عبدالله بهمن پوری^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

^۲ دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول).

^۳ دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

چکیده

اشتغال کودکان، موضوعی است که با توجه به اهمیت حمایت همه جانبه از کودکان به عنوان قشر ضعیف جامعه و پیامدهای زیان‌آور ناشی از عدم تناسب باسن کودک، همیشه و در اکثر جوامع بررسی شده و شایسته پژوهش بیشتر برای شناخت ابعاد مختلف آن است، بنابراین جستجو پیرامون آن از دید دانش‌های گوناگون از جمله در دانش فقه و حقوق بسیار مهم و ضروری است. از یک طرف مبنا بودن فقه امامیه؛ ضرورت دقت و توجه عمیق به مبانی فقهی موجود را اقتضا می‌کند و از طرف دیگر، مواجهه عملی درست و مناسب با این پدیده نیازمند قانون‌گذاری همه جانبه و کاربردی درباره این مسئله است. از این رو لازم است ابعاد این مساله به درستی شناسایی و تبیین شود افزون بر این، وجود مواد قانونی پراکنده در قوانین مختلف و متفاوت در این موضوع است که تعدد نظریات حقوق‌دانان را در پی دارد و همینطور، نظریات فقهای بزرگ در مسئله حاضر در باب وضعیت فقهی و ضمان با یکدیگر متفاوت است؛ بررسی قوانین مرتبط، وضعیت فقهی و حقوقی و نیز آثار اشتغال اطفال و مسئولیت اطفال، سرپرست و کارفرما از اهم مباحث ذکر شده به شمار می‌آیند. به نظر می‌رسد، اصل در قلمرو اشتغال و امکان به کارگیری اطفال، بر ممنوعیت است مگر آنکه مصلحت در خوری برای طفل وجود داشته باشد و از جمع مواد قانون کار و امور حسبی این طور به نظر می‌آید که با وجود آنکه قانون امور حسبی به صورت کلی صلاح دید مصلحت را به ولی سپرده است و اطفال زیر ۱۵ سال مشمول آن هستند، باید شرایط مندرج در مواد قانون کار در مورد آنان نیز اعمال شود همچنین با توجه به آنکه درآمد حاصل از کار کودک، نتیجه اشتغال طفل است؛ جزو اموال او به حساب می‌آید و کودک در موارد محدودی با اجازه ولی می‌تواند در آن دخل و تصرف کند. بحث اشتغال کودک در فضای مجازی به اختصار بیان و موارد لازم بررسی شده است. در باب مسئولیت ناشی از کار، کودک، سرپرست و کارفرما با توجه به میزان تقصیر مستلزم پرداخت خسارت هستند.

واژه‌های کلیدی: کودکان کار، اشتغال، دوران معاصر، آسیب اجتماعی، جامعه، فقه، فضای مجازی

مقدمه

اشتغال کودکان پدیده ای است که از زمان اولین اجتماعات بشری وجود داشته است، اما توجه حقوق عرفی به آن و وضع کردن مواد و تبصره های قانونی درباره آن پیشینه طولانی ندارد؛ بلکه از آن زمان که حمایت از کودکان بیش از پیش در جوامع گوناگون، مهم شمرده شد، به این مسئله نیز توجه شده است؛ چرا که کودکان به دلیل عدم توانایی خود در حمایت و دفاع از حقوق خود، مورد سوء استفاده افراد سودجو و منفعت طلب قرار می گرفتند. از این رو با پیشرفت جوامع، توجه به اطفال و جلوگیری از سودجویی از آنها تحت عنوان حمایت از کودکان کار، مورد توجه قرار گرفت و این امر به وضع قوانین ملی و بین المللی در این زمینه منجر شد. در ایران نیز با توجه به این تحول جهانی، پس از فرمان والی کرمان در مورد قالی بافان این شهر، حمایت از این کودکان به صورت قانونی آغاز شد و با توجه به کنوانسیون های بین المللی و قوانین بین المللی در ایران نیز در ذیل مواد قانونی تحت عنوان قانون کار، به این پدیده توجه ویژه شد.

اما قوانین موضوعه در کشور ما عمدتاً نشأت گرفته از قوانین جوامع دیگر و تحت تاثیر معاهدات بین المللی بوده و به مفاد فقه امامیه در این زمینه توجه کافی صورت نگرفته است؛ در صورتی که فقه امامیه در این مورد نیز به حمایت از کودکان پرداخته و با تمسک به فقه امامیه و استنباط از متون و منابع مربوط نیز، می توان از اطفال حمایت کرد، افزون بر این در پژوهش های حقوقی درباره این مسئله نیز عموماً در راستای حقوق عمومی بوده و از این منظر به پیامدها، راهکارها و مسائل مربوط به کودک کار پرداخته شده است. در این راستا باید گفت دو مسئله مهم در این باره وجود دارد از یک سو، کودکانی که باید مورد حمایت واقع شوند و مورد سوء استفاده قرار نگیرند و دوازدهم سوی دیگر، بسیاری از معاملات خرد و کوچک به وسیله اطفال صورت می پذیرد و اشخاصی که با آنها معامله میکنند، با توجه به نداشتن اهلیت اطفال معاملاتشان در معرض تزلزل قرار میگیرد، بر این پایه به فراخور اشتغال اطفال ممکن است مسائل بسیاری در این زمینه به وجود آید، از جمله: اینکه کودک می تواند درباره اشتغال خود قرارداد امضا کند یا نه؟ آیا درست یا غلط بودن قرارداد بستن کودک در همه معاملات یکسان است یا باتوجه به نوع معامله متفاوت است؟ و در صورت حاصل شدن درآمد توسط کودک مالکیت این درآمد و دخل و تصرف در آن به عهده چه کسی است.

بطور خلاصه در پاسخ به سوالات مطرح شده می توان گفت که عمل طفل چه به صورت شرعی و قانونی یا غیر شرعی و غیر قانونی باشد محترم شمرده شده و دارای دستمزد است و این مهم از طریق مبانی گوناگون قابل اثبات شدن است و همینطور در ملکیت کودک قرار میگیرد، اما با توجه به حجر طفل، او نمی تواند در آنها مستقلاً تصرف کند و با توجه به نظر مشهور فقهای امامیه، سرپرست طفل ملزم به رعایت مصلحت طفل است.

هم در فقه امامیه و هم حقوق ایران نظراتی بر ضامن بودن طفل در مورد خسارات وارده در حیطة مسئولیت مدنی وجود دارد، اما با توجه به مسئولیت سرپرست و کارفرما و در اکثر موارد و تقصیر در استخدام کردن طفل در مشاغل نامناسب با سن کودک، در بیشتر مواقع نوبت به مسئولیت طفل نمیرسد. قانون کار اشتغال اطفال زیر ۱۵ سال را به صورت کلی ممنوع کرده و در مورد اطفال ۱۵ - ۱۸ سال نیز مقررات ویژه ای عنوان کرده است.

بیان مسئله

یکی از مسائل مهمی که در آموزه های اسلامی مطرح شده است، بحث از کار و تلاش برای گذراندن زندگی است. انسان برای رفع نیازهای زندگی می بایست حداقل یک شغل داشته باشد تا بتواند حداقل امکانات زندگی خویش را فراهم آورد. در آموزه-

های اسلامی، کار و تلاش بسیار مورد سفارش بوده، چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵، ۷۸) یعنی عبادت ۷۰ جز دارد و برترین آنها کار و کوشش برای به دست آوردن روزی حلال است. اما آنچه در این باب حائز اهمیت برای مطالعه و تحلیل کاربردی به نظر می‌رسد مسئله‌ی اشتغال کودکان است.

امروزه، یکی از مقولات چالش برانگیز اجتماعی، که به عنوان یک آسیب جدی مورد نظر بوده، مسئله کودکان کار است که در واقع، به گروهی از کودکان اطلاق می‌شود که به انواع کار در بیرون از خانه مشغول هستند. این نوع فعالیت روزمره، طیف وسیعی از فعالیت‌ها از جمله انواع کار واقعی و کاذب، کارگری غیر حرفه‌ای، گدایی، واکس زدن، فروش کالاهای کم ارزش و غیره را در برمی‌گیرد. کودکان شاغل عمدتاً به چند دسته تقسیم می‌شوند:

برخی تحت کفالت و سرپرستی خانواده خویش هستند و از شدت فقر ناچار به اشتغال در سنین پایین هستند و گروهی دیگر نیز، از داشتن خانواده محروم بوده که در پرتو اشتغال، گاهی حتی هنجار شکنی و بدتر از آن به ارتکاب جرایمی نیز مبادرت می‌ورزند که اغلب این قشر، از لذات دوران کودکی بی‌بهره هستند و با شدت یافتن مسئله فقر و معیشت، سلامت روحی و جسمی آن‌ها مورد هجوم انواع تهدیدات قرار می‌گیرد و زمینه‌ی بزهکاری برای این دسته فراهم است.

بدون تردید، اشتغال کودک از هر حیث دارای آثار و پیامدهای مثبت و منفی و همچنین مخاطرات فراوان است که یکی از مهمترین جنبه‌های قابل بررسی، پرداختن به وجوه فقهی و حقوقی این مسئله است. مشغول کردن کودکان به کار که در متون فقهی تحت عنوان اجیر شدن از آن یاد می‌شود، مطابق دیدگاه مشهور فقها، مورد اشکال است و از طرفی، کودک اهلیت تصرف در مال خود و کار خود را ندارد، بنابراین نمی‌تواند برای انجام کار اجیر شود؛ ولی اگر ولی شرعی تحت عنوان اجاره یا عناوین دیگری کودک ممیز را برای کاری که قادر به انجام آن است، اجیر قرار دهد یا به او اذن دهد، اگر این کار حرمت داشته و یا به ضرر کودک باشد، بی‌تردید ولی، چنین حقی را ندارد و عمل او در فرض مزبور از جهت حکم تکلیفی حرام و از جهت حکم وضعی باطل است، اما اگر اجازه ولی برای کاری غیرحرام یا غیرمضر باشد به مشهور فقها این قسم از کار کودک مکروه است.

از نظر حقوقی نیز هر گونه استثمار و سوء استفاده از کودکان در اشکال مختلف مخصوصاً کار اجباری، و یا اشتغال به انواع کارهای سخت و زیان آور، کار خانگی بدون مزد، مشاغل سیاه و کاذب، مجاز نبوده و متخلفان مورد پیگرد قانونی گرفته و مورد مجازات قرار خواهند گرفت. در قوانین ایران، پیش بینی‌هایی برای کودکان کار صورت گرفته که البته ضمن اندک بودن مواد قانونی، خلأهایی نیز در اجرا وجود دارد. طبق ماده ۷۹ قانون کار، به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است و طبق ماده ۸۰ قانون مزبور، کارگری که سنش بین ۱۵ تا ۱۸ باشد کارگر نوجوان نامیده می‌شود و طبق ماده ۸۴ همین قانون در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان یا نوجوانان زیان آور است حداقل سن کار ۱۸ سال تمام است.

در هر صورت، مسئله‌ی اشتغال کودکان جزو مسائلی است که در دوران معاصر چالش‌های فراوانی را پیش روی بشر قرار داده و برخی با این باورند که اقتضائات جامعه‌ی کنونی و مشکلات اقتصادی پیش آمده برای برخی خانواده‌های فقیر و کم درآمد، اشتغال کودکان در کنار پدر و مادر در مشاغل بدون آسیب را ضروری دانسته و بر این عقیده‌اند که کودکان شاغل در کنار خانواده، اعتماد به نفس بیشتری داشته و زودتر استقلال شخصیتی و مالی می‌یابند و از مشکلات مالی خانواده می‌کاهند. لذا با توجه به اهمیت موضوع و بیان دیدگاه‌هایی در این باره، مسئله اصلی تحقیق، این است که اشتغال کودکان از منظر فقه و حقوق موضوعه دارای چه حکمی بوده و چه چالش‌هایی در مواجهه با این مقوله وجود دارد؟

اهداف پژوهش

هدف از انجام این پژوهش، آگاهی سازی نسبت به چالش‌ها و اقتضائات معاصر پیرامون اشتغال کودکان بوده تا خانواده‌ها ضمن آگاهی از دیدگاه فقهی و حقوقی در باره کار کردن کودک، فرزندان خود را زودتر از سن قانونی به کار وادار نکنند و مسئولین ذریبط نیز با حمایت‌های قانونی از کودکان کار، زیرساخت‌های لازم برای حمایت مالی و اقتصادی کودکان کار و خانواده‌های آن‌ها را فراهم کنند تا دیگر کودکان مجبور نباشند کار کنند و از درس و تحصیل بازمانند

پرسش‌ها و یا فرضیه‌های پژوهش

سؤال اصلی

دیدگاه فقه درباره جواز اشتغال کودک چیست؟ و از منظر حقوقی، چگونه می‌توان از بروز چالش‌های احتمالی جلوگیری نمود؟

سوالات فرعی

- ۱) اشتغال کودک، چه تاثیری بر وقوع بزهکاری در جامعه دارد؟
- ۲) چه قواعد فقهی یا حقوقی درباره ممنوعیت اشتغال کودکان وجود دارد؟
- ۳) چه چالش‌ها و اقتضائاتی در دوران معاصر برای اشتغال کودک از حیث فقهی و حقوقی وجود دارد؟

تاریخچه علمی پژوهش

در پایان نامه‌ای با عنوان « بررسی حقوقی کار کودک و نوجوان و خلاءهای قانونی آن » نوشته ی زهرا محمدی، تا حدودی به شرایط کار کودک اشاره شده و به برخی از قوانین در این زمینه نیز پرداخته شده است ولی بررسی تحلیلی ارائه نگردیده است. وجه تمایز تحقیق پیش‌رو با پایان نامه مذکور در این است که تلاش می‌شود ضمن واکاوی جواز و عدم جواز اشتغال کودک در فقه امامیه و حقوق جاری، چالش‌ها و اقتضائات مرتبط با اشتغال کودکان تحلیل شود.

در پایان نامه‌ای با عنوان « کار کودک از منظر حقوق بین الملل و حقوق جمهوری اسلامی ایران » نوشته ی درسا امین رضایی؛ نویسنده ضمن بررسی قوانین حقوق بین الملل درباره کار کودک، قوانین موضوعه ی ایران پیرامون کار کودک را نیز بررسی کرده است ولی اصلاً به مشروعیت یا عدم مشروعیت اشتغال کودک و همچنین به بیان دیدگاه های فقهی در این باره نپرداخته است و از این رو با پایان نامه پیش روی در زمینه بررسی فقهی و اقتضائات و چالش های معاصر تفاوت ماهوی دارد.

در پایان نامه‌ای با عنوان « بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم به کار کودک در خانوارهای ایرانی » نوشته ی سعید بدری، ضمن بررسی چندین خانواده که اشتغال کودکان در آنها رواج دارد، عوامل مهمی که موجب چینی تصمیمی شده مورد بررسی قرار گرفته است. وجه تمایز تحقیق پیش‌رو با پایان نامه ی مذکور در رویکرد بررسی است، زیرا رویکرد بررسی در این پایان نامه فقهی و حقوقی بوده و اقتضائات و چالش های معاصر درباره اشتغال کودکان نیز بررسی می گردد در حالی که در پایان نامه مذکور به این موارد اساساً پرداخته نشده است.

در مقاله‌ای با عنوان «کودک کار سنتی و مدرن در حقوق موضوعه ایران و کنوانسیون بین المللی حقوق کودک » نوشته ی سید پدram خندانی و مهرویه شجاع سنگجولی؛ به بررسی حقوق کودکان کار سنتی و مدرن در قوانین موضوعه ایران و حقوق بین الملل پرداخته شده است. اما رویکرد فقهی نداشته و هیچگونه تحلیلی نسبت به چالشهای فقهی و حقوقی ارائه نشده است.

روش پژوهش

روش انجام پژوهش، بصورت توصیفی و تحلیل بوده و پژوهشگر با مراجعه به مهمترین منابع کتابخانه ای اعم از کتابخانه های سطح شهر و کتابخانه های دیجیتالی و نرم افزارهای پژوهشی مرتبط، به جمع آوری و تدوین اطلاعات لازم می پردازد.

اهمیت کار و اشتغال در اسلام

از آن جا که کار در زندگی فردی - اجتماعی انسان، نقش اساسی دارد و دین مقدس اسلام نیز کار را تشویق و بی کاری را نکوهش کرده است، این موضوع را از دیدگاه قرآن که سرچشمه آموزه های اسلامی است و ضمن بررسی روایات و احادیث بررسی می کنیم که کار در سیره اولیای الهی چه جایگاهی داشته است. منظور ما از «کار»، فعالیت هایی است که ارزش مادی و معنوی برای انسان دارد. بنابراین، منظور از «کار» هم کارهای فکری و دستی، هم تولیدی و خدماتی است که انسان برای گذران زندگی خود به آن نیازمند است. (نیک فر، ۱۳۸۳: ۱۱). به منظور اثبات این مدعا که دیدگاه اسلام در زمینه کار و تلاش، با دیدگاه مادی گرایان و ترک کنندگان دنیا، تفاوت بنیادین دارد یعنی افراط و تفریط در کار را نفی می کند. می کوشیم تا در حد توان خود اثبات کنیم که «کار و تلاش» اگر در جهت رضای خدا و برآوردن نیاز های خانواده باشد تا چه اندازه ارزشمند است و گرنه بی ارزش خواهد بود، هرچند رفاه مادی را تا سرحد امکان تأمین کند.

اقسام مشاغل از منظر احکام تکلیفی

- شغل واجب

واجب در لغت به معنای حتمی، ناگزیر، لازم و حتمی است (دهخدا، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۱۷۱۲۹) و در اصطلاح یعنی: کاری که انجامش بر مکلف لازم است و ترک آن عذاب الهی رادری دارد. مشاغل واجب به آن دسته از مشاغلی گفته می شود که فرد برای تأمین نیازهای شخصی خود و خانواده اش به آنها مشغول است و در صورت کوتاهی و انجام ندادن آن ها در فرایند زندگی اجتماعی و روند جامعه اختلال ایجاد می شود و پیشرفت جامعه دچار وقفه خواهد شد. به عبارتی آن دسته کارهای حلالی که فرد آنها را شغل و پیشه خود قرار داده و غیر از آن درآمد دیگری برای زندگی ندارد؛ (علامه حلی ۱۴۱۱ ه. ق: ۹۳)، مانند کسب و کار و تلاش برای زندگی از طریق تجارت، زراعت، صنعت و مانند آن، همچنین کسب و کار برای حفظ نظام و تأمین نیازهای جامعه اسلامی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ ه. ق: ۳۲۴). حال که سخن از کار حلال به میان آمد چند شاخص و اصل مهم برای تشخیص کسب و کار حلال بیان می گردد؛ اول: اصل احتیاج عمومی (التي یحتاج إليها العباد)، دوم: اصل سودمندی عمومی (التي منها منافعهم اصل قوام بودن اجتماعی و بهاقوامهم) و همچنین بر مبنای (و فیها بلغة جمیع حوائجهم) میتوان به اصل پاسخگویی به نیازمندیهای عمومی قشرهای مختلف جامعه اشاره کرد (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰: ۶ / ۲۸۱). در کتاب آداب و احکام تجارت آمده است که:

کار واجب بر دو قسم است: الف: تنها راه بدست آوردن معاش کسی که بجز از راه خرید و فروش نتواند مخارج خود را تأمین کند؛ واجب است با کار و کوشش خرج زندگی خود را بدست آورد تا محتاج دیگران نشود. ب: شغل و کاری که دیگران بدان احتیاج دارند اگر چه خود انسان چندان نیازی به آن حرفه ندارد (مانند طبیب و معلم منحصر به فرد در یک شهر) ولی به جهت بر طرف کردن نیازهای سایر افراد بدان کار اقدام می شود. (هاشم زاده، بی تا: ۱۰). از منظر فقهی برخی مشاغل که جامعه اسلامی به آن ها نیاز دارد و وجوب کفائی دارند مانند پزشکی، آهنگری، نجاری و برهمه واجب اند تا نظام اجتماعی دچار مشکل

وتزلزل نشود اما اگر فردی آن کسب و کار را انجام داد، وجوب آن از عهده بقیه افراد ساقط می شود؛ برای مثال جامعه انسانی به خیاط نیاز دارد تا افراد جامعه در مقابل سرما و گرما از خود مواظبت کنند و خود را از نگاه نامحرم بیرشانند و لذا انجام این کارها واجب کفایی است و اگر افرادی آن را انجام دهند، وجوب آن از گردن بقیه ساقط خواهد شد. یا دامداری و کشاورزی که زنده بودن جامعه به آن وابسته است از باب واجب کفایی بر همه افراد واجب است لیکن اگر گروهی آن را انجام بدهند واجب بودن آن برداشته می شود. (فلاح زاده، ۱۳۸۴: ۲۳). شیخ انصاری برای مکاسب واجب، صناعاتی را به عنوان نمونه ذکر می کند که زندگی و معیشت مردم، بر آنها متوقف است. همان گونه که پیش از این بیان شد، قیام به این صناعات واجب است نه کسب درآمد از آنها؛ یعنی آنچه واجب است، وجود اشخاصی است که متصدی انجام این صناعات در جامعه باشند و علت وجوب نیز این است که اگر کسی عهده دار این امور نشود، زندگی مردم مختل می گردد.

با این توصیف، باید گفت: اگر دلیل وجوب انجام این صناعات و عهده دار شدن این مشاغل، این است که با تعطیلی این امور زندگی مردم مختل می شود، باید قائل به انجام این صناعات به صورت مجانی شد. به عبارت دیگر باید گفت: حتی اگر شرایط به گونه ای باشد که کسی در ازای طبابت پول نپردازد، باز هم طبیب باید بدون دستمزد کار کند؛ یعنی اگر قیام به این امور واجب است، پس باید به صورت مجانی انجام شوند، در حالی که قائل شدن به انجام بدون دستمزد این مشاغل نیز موجب اختلال در نظام می گردد. به دیگر سخن، از یک سو گفته می شود عهده دار شدن این امور لازم و واجب است حتی اگر مجانی باشد و از سوی دیگر، رایگان بودن این امور موجب اختلال نظام می شود؛ چرا که اگر طبابت، نجاری، نانواپی و همه اموری که قوام جامعه مبتنی بر آن است به نحو مجانی واجب باشد، خود این امر موجب اختلال خواهد شد، پس در صورتی مجانی بودن ها ضرورت دارد که خود این مجانی بودن سبب اختلال نظام نشود. (شیخ انصاری، ۱۳۰۰ ه. ق: ۷۸).

- شغل حرام

حرام در لغت به معنای ناروا شدن و ممنوع کردن چیزی می باشد، شغل حرام: آن کارهایی است که یا به فرد و جامعه ضرر قطعی میزند و خلاف مصالح عمومی و اجتماعی می باشد (فلاح زاده، ۱۳۸۴: ۲۵) مانند:

الف: خرید و فروش چیزهای نجس و زیان آور مانند مسکرات، گوشت خوک، حیوانات مرده و امثال آن، اموری که موجب امراض جسمی و روحی انسان خواهد شد (البته در مورد معامله سگ گله یا شکاری - کودهای زراعت و امثال آن استثناء شده اند).

ب: خرید و فروش چیزهایی که منافع معمولی آنها حرام است مانند ابزار قمار و شراب؛ آیاتی که به طور کلی از درآمدهای حرام نهی کرده و از آن به «اکل سحت؛ خوردن حرام» یا «اکل بالباطل» یاد کرده است. «أَكْلُ سُحْتٍ سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ» (مائده: ۴۲) پذیرا و شنوای دروغ هستند و بسیار مال حرام می خورند. این آیه در توصیف یهودیان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله است که یکی از ویژگی های آنان حرام خواری فراوان بود.

در تفسیر نورالثقلین روایات گوناگونی در بیان مصادیق «سحت» آمده است. خوردن مال یتیم، خمر، رشوه، درآمد از راه کهنانت و شب کاری به طور کامل از مصادیق «سحت» دانسته شده است. «عن ابی عبد الله علیه السلام قال: الصناعات اذا سهروا الليل كله فهو سحت.» (حویزی، ۱۳۸۳ ه. ق: ۱/ ۶۳۴). پس از این مطلب به حرام بودن مشاغلی مانند خرید و فروش شراب، درآمد از راه شب کاری به طور کامل خواهیم پرداخت و در ادامه آیات و مصادیقی درباره حرمت بعضی مشاغل خواهیم آورد: از آنجا که در جامعه اسلامی درآمد آزاره ربا و رشوه زیاد شده است و به عنوان یک شغل و منبع درآمد رواج یافته است به حرام بودن

درآمدزاه ربا و سپس درایت بعدی به بحث رشوه می پردازیم: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَاَ (بقره ۲۷۰)؛ خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است. «خدای متعال ربا را به خاطر ضرری که به فرد و جامعه وارد می کند و شکاف هایی که بین طبقات ایجاد می کند حرام کرده است. در این آیه به حرام بودن «ربا» و آثار آن اشاره شده است. حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «أُخْبِتُ الْمَكَاسِبَ كَسْبُ الرِّبَا» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۲/ ۴۲۳) خبیث ترین کسبها در آمد از ربا است.

پ: رشوه؛ قرآن کریم درباره رشوه آمده است که: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوْا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۸۸) و اموال یکدیگر را به باطل و ناحق در میان خود نخورید. و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه قسمتی از آن را به عنوان رشوه به قضات ندهید در حالی که می دانید این کار گناه است).

ت: سحر و جادو؛ همواره مورد نکوهش قرآن بوده است؛ وَ اتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ... (بقره: ۱۰۲) و (بهدود) از آن چه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند، پیروی کردند. سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود و) کافر نشد؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند و به مردم سحر آموختند... در این مورد فقیهان اسلام همگی معتقدند یاد گرفتن و انجام دادن اعمال سحر و جادوگری حرام است، ولی چنان چه یاد گرفتن آن برای ابطال سحر ساحران باشد، اشکالی ندارد، بلکه گاهی به عنوان واجب کفایی می بایست عده ای سحر را بیاموزند. (مکارم شیرازی، بی تا: ۳۷۹/۱).

حرام بودن سحر در روایات: علی علیه السلام می فرماید: کسی که سحر بیاموزد (چه کم باشد چه زیاد) در واقع کفر ورزیده است؛ مگر این که توبه کند. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۰۷/۷). و جوب کفایی آموختن سحر: ساحری که از طریق «سحر» امرار معاش می کرد، نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: کار من ساحری بود و با مزد آن گذران زندگی می کردم، اکنون از آن کناره گرفته و توبه کردم، آیا راه نجاتی برایم هست؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «حلّ و لا تعقد؛ همان) گره سحر بگشا، ولی گره جادو مزن».

ث: وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. (مائده: ۳۸) دستان مرد و زن دزد را به کیفر عملی که مرتکب شده اند، به عنوان عبرتی از جانب خدا ببرد و خداوند پیروزمند فرزانه است. در این آیه، حکم دزد که قطع دست می باشد بیان شده است. عبارت «جزاءً بما کسبا نکالاً من الله» اشاره دارد که: اولاً این کیفر نتیجه کار خودشان است و چیزی است که برای خود خواسته اند؛ ثانیاً هدف آن پیش گیری و بازگشت به حق و عدالت است؛ زیرا «نکال» همان مجازاتی است که برای پیش گیری و ترک گناه انجام می گیرد. این واژه، در اصل به معنای لجام و افسار است و سپس به هر کاری که از انحراف جلوگیری کند، گفته می شود. (مکارم بی تا: ۴/ ۳۷۴)

ج: غنا؛ سر و کار داشتن با موسیقی مبتذل، گوش دادن آن و خرید و فروش نوار آن حرام است. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲/ ۷) شیخ انصاری رحمه الله در این مورد به دو آیه استناد کرده و می فرماید روایات زیادی در تفسیر آن ها وجود دارد. شیخ انصاری، آیه عبارت است از: «لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَوْا لَاتَّخَذْنَا مِنْ لَدُنَّا». (انبیاء: ۱۷) به فرض محال اگر می خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم، چیزی متناسب خود انتخاب می کردیم. کم فروشی و بیش از اندازه لازم از مردم پول گرفتن و کمتر از میزان استحقاق آنان متاع و کالا یا کار در اختیار آنان گذاشتن. (هاشم زاده، بی تا: ۱۱). خرید و فروش کتاب های گمراه کننده به منظور ایجاد هرج و مرج فکری در میان طبقات مختلف جامعه که در معرض آلودگی و گمراهی هستند مانند: سی دی ها و فیلم های مبتذل و اغفال کننده که برای انحراف افراد بخصوص جوانان و جامعه بکار می آید (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۲/ ۴۲۷). چ: فروش سلاح به دشمنان اسلام که بر علیه مسلمانان بکار میبرند،

ح: خرید و فروش زینتهای حرام مانند سلیب، انگشتر و گردنبند طلا که منحصر برای مردها باشد حتی ساعت آنها هم اشکال دارد (همان، ۱۳)

خ: مکاسبی که به اعتبار عوارض آن حرام اند: مثل خرید و فروش چاقو برای کشتن انسان، (همان) و آنچه به خودی خود حرام است مثل مجسمه سازی (محقق حلی، ۱۳۷۷.ه.ق: ۱۲۳۴)

در میان مکاسب محرّمه، برخی تنها حرمت تکلیفی دارند، مانند «بیع وقت نداء»؛ یعنی اگر شخصی هنگام ندای نماز جمعه معامله ای انجام دهد، فعل حرامی را مرتکب شده است، بدون آن که معامله او باطل باشد. در مقابل در دسته ای دیگر از مکاسب محرّمه، فقط حرمت وضعی وجود دارد، مانند آن جا که یکی از شرایط صحّت معامله موجود نباشد. در این موارد معامله انجام شده فاسد است، اما حرمت تکلیفی ندارد و هیچ یک از بایع و مشتری مرتکب فعل حرام نشده اند. به تعبیر دیگر، معامله حرام نیست؛ بلکه فاسد است و تصرف در مال به دست آمده از معامله فاسد، حرام است. دسته ای دیگر از مکاسب محرّمه، هم حرمت وضعی دارند و هم حرمت تکلیفی؛ برای این مورد می توان به معامله ربوی و بیع خمر را به عنوان نمونه، بیان کرد. (شیخ انصاری، ۱۳۰۰.ه.ق: ۸۸)

د: خرید و فروش چیزهای نجس و زیان آور مانند مسکرات، گوشت خوک، حیوانهای مرده و امثال آن اموری که موجب امراض جسمی و روحی انسان خواهد شد (البته در مورد معامله سگ گله یا شکاری -کودهای زراعت و امثال آن استثناء شده اند).

ذ: و فروش کتابهای گمراه کننده به منظور ایجاد هرج و مرج فکری در میان طبقات مختلف جامعه که در معرض آلودگی و گمراهی هستند یا مانند: سی دیها و فیلمهای مبتذل و اغفال کننده که برای انحراف افراد بخصوص جوانان و جامعه بکار می آید. (همان، ۹۱).

- شغل مستحب

مشاغلی که وسعت و گشایش فرد و اعضای خانواده اش و منفعت رساندن به افراد نیازمند متوقف بر آن باشد؛ پس فرد به دنبال این کار می رود تا وضعیت مالی او بهتر شود و بتواند زندگی راحت تر و بهتری را برای خانواده اش بسازد و به فقیران و نیازمندان کمک کند. پس هدف از کسب مستحب گشایش روزی برای خانواده (زیادتر از هزینه واجب)، و یا برای دستگیری از فقرا و مستمندان می باشد (علامه حلی، ۱۳۷۷.ش: ۹۳) نفس عمل کشاورزی و چوپانی، از آن جا که موجب تقویت روحیه توکل شده و آثاری همچون صبر را برای انسان به همراه دارد، مستحب است؛ ولی با این حال، برای اثبات استحباب کسب از راه کشاورزی یا چوپانی، به دلیل دیگری نیازمند هستیم.

با مراجعه به روایات این باب، افزون بر روایاتی که دلالت بر مطلوبیت نفس عمل کشاورزی دارد، می توان به روایاتی دست یافت که کسب از راه کشاورزی را نیز مطلوب می داند. برای نمونه دو روایت زیر از راه لزوم بین بمعنی الأعم، دلالت بر استحباب کسب از راه زراعت دارد: أبو عبدالله علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اخْتَارَ لِأَنْبِيَائِهِ الْحَرْثَ وَالزَّرْعَ كَيْ لَا يَكْرَهُوا شَيْئاً مِنْ قَطْرِ السَّمَاءِ» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۳۳/۱۹). خداوند عزوجل برای پیامبران خود عمل کشت و زرع را اختیار فرموده است تا نسبت به آنچه از آسمان نازل می شود، کراهت نداشته باشند. «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ أَرْزَاقَ أَنْبِيَائِهِ فِي الزَّرْعِ وَالصَّرْعِ كَيْلَا يَكْرَهُوا شَيْئاً مِنْ قَطْرِ السَّمَاءِ». (همان) خداوند رزق انبیا را در کشاورزی و دامداری قرار داده است تا نسبت به آنچه از آسمان می بارد، کراهت نداشته

باشند. در این دو تعبیر به دلالت مطابقی استفاده می‌شود که این عمل و این رزق، برای انبیا قرار داده شده است؛ اما با دلالت لزوم بین معنی الأعم دلالت بر استحباب کسب از راه زراعت دارد.

روایت دیگری نیز در این باب وارد شده «سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ وَأَصْلَحَهُ وَأَدَّى حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ؛ از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد که کدام مال خیر و نیکو است؟ ایشان در جواب فرموده اند: آن زراعتی که زارع انجام می‌دهد و سپس زکات آن را می‌پردازد. این روایت به دلالت مطابقی، استحباب اکتساب از طریق زراعت را ثابت می‌کند؛ زیرا معنای سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که درآمد به دست آمده از زراعت را خیر و نیکو می‌داند، این است که کسب از راه زراعت، مطلوب است (همان، ۳۶).

- شغل مکروه

کسب‌هایی که به جهت آثاری که دارند، انجام آن، شایسته نیست؛ (کلینی، بی تا: ۱۱۴/۵) که در روایاتی از شغل‌هایی؛ مانند کفن فروشی و برده‌فروشی نکوهش شده است. در روایت مفصلی از امام صادق (ع) که اسحاق بن عمار آن را نقل می‌کند، آمده است که: اسحاق به حضرت وارد شد و به ایشان گفت: خداوند پسری را به من داده است و... اسحاق می‌گوید: به حضرت عرض کردم: «فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي أَيِّ الْأَعْمَالِ أضعُهُ؟» من می‌خواهم فرزندم را بر سر یک کار گذاشته و شغلی برایش انتخاب کنم. چه کنم و او را بر سر چه کاری بفرستم؟ سائل از حضرت می‌پرسد که شما دوست دارید پسر من چه کاره شود؟ حضرت به او فرمودند: او را بر سر یک‌سری از کارها مگذار! «لَا تُسَلِّمُهُ صَيْرَفِيًّا»، او را به زرگری نفرست. جهت آن را هم گفتند و من عین آن را می‌خوانم: «فَإِنَّ الصَّيْرَفِيَّ لَا يَسْلَمُ مِنَ الرَّبَا» (اصول‌الکافی، ج ۵، ص ۱۱۴)، اگر او را به زرگری بفرستی، سر از ربا در می‌آورد. چون شما می‌دانید که زرگری از شغل‌ها و معاملاتی است که به سرعت ربا در آن پیدا می‌شود. مثلاً در تبدیل طلا به طلا، اگر یک گرم اضافه‌تر شود، این ربا است. آدم یک‌بار به چاله حرام‌خواری می‌افتد. این شغل مخاطره دارد. اصل شغل حرام نیست ولی چون ممکن است تو را به گناه بیاورد و گناه هم روح تو را تخریب کرده و استمرار آن روش صحیح تو را تخریب می‌کند، لذا شغل مکروهی است و از آن نهی شده است. «وَأَلَّا تُسَلِّمَهُ بِيَّاعِ الْأُكْفَانِ فَإِنَّ صَاحِبَ الْأُكْفَانِ يَسْرُهُ الْوَبَاءُ إِذَا كَانَ». حضرت در ادامه فرمودند: فرزندت را به کفن‌فروشی هم نفرست.

ما در روایات داریم که این شغل هم مکروه است. چون کفن‌فروش، دائماً در فکر این است که مردم زودتر بمیرند تا او کفن‌هایش را بفروشد. بدانید جمله به جمله این مطالبی که من می‌گویم، متن روایات است و من از خودم حرفی ندارم. در روایت آمده است که کفن‌فروش می‌گوید: هر چه مرده بیشتر شود، برای من بهتر است؛ لذا این شغل هم مکروه است. نفس شغل بر روی روح اثر سوء دارد. در روایت قبلی «جزار» و در اینجا «قصاب» که البته معنای اینها قصابی به معنایی که امروزه متداول است، نیست. اصل آن از نظر لغت به کسی گفته می‌شود که شتر و گوسفند را سر می‌برد، یعنی کارش سر بردن است نه گوشت فروختن. روایت می‌گوید ولو اینکه قصاب سر حیوان را می‌برد، ولی این شغل و حرفه، از نظر تربیتی اثر سوء دارد. حضرت در ادامه جهت این نهی را بیان می‌فرماید که: «فَإِنَّ الْجَزَّارَ تُسَلَّبُ مِنْهُ الرَّحْمَةُ»، چرا که قصاب، مهربانی‌اش را از دست می‌دهد. در روایت دیگر در مورد جهت این نهی آمده است: «وَأَمَّا الْقَصَابُ فَإِنَّهُ يَذْبَحُ حَتَّى تَذْهَبَ الرَّحْمَةُ مِنْ قَلْبِهِ» (شیخ صدوق، ۱۳۲۴ ه. ق: ۱۵۸/۳) قصاب آن قدر ذبح می‌کند تا مهر و عطوفت از دلش می‌رود.

آن کاری که ترک آن بهتر است مانند: انبار اجناس غیر ضروری جامعه به امید گرانتر شدن آن‌ها، کفن فروشی چون کفن فروش همیشه درآمدی آن است که مردم زودتر بمیرند تا او اجناسش را بفروشد، معامله با مردمان پست (هاشم زاده، ۱۳۹۵: ۳).

- شغل مباح

کاری که نه خود یا جامعه احتیاج زیادی بدان ندارد بلکه تنها برای سرگرمی و اشتغال داشتن به آن کار می‌پردازد یعنی عقاب و ثوابی برای آن منظور نمی‌باشد. بسیاری از مشاغل در اسلام مباح می‌باشند و بنابر اصل اباحه میتوان برای کسب و درآمد زایی از ابزار آن شغل بهره مند گشت. مباح بودن یعنی عملی هم که انجام و ترک آن بر مکلف مساوی است؛ نه عذابی دارد و نه پاداشی؛ مانند راه رفتن هر آنچه در موارد چهارگانه واجب، حرام، مستحب، مکروه نباشد در حیطه مباحات به شمار می‌آید (فلاح زاده، ۱۳۸۴: ۲۰)

با تتبع در روایات در می‌یابیم که دو دیدگاه برای مشاغل مباح در نظر گرفته شده است و در اسلام به دوگونه فعالیت اقتصادی مباح اذعان شده است. نخستین آن در رابطه با مشاغل مباحی که بسیار توصیه گردیده و نوع دیگر آن مشاغلی است که از آن نهی شده است.

طبقه بندی مشاغل مباح

الف: شغل‌های توصیه نشده؛ فروش طعام؛ خطر تبدیل شدن به محتکر

قصابی؛ به علت از بین رفتن رحم و مروت

ب: توصیه شده: خیاطی، زراعت و نگه داری دام در خانه و غیره (کشوری، ۱۳۹۸)

ادله جواز وعدم جواز اشتغال کودکان در فقه

در بینش اسلامی هر چند منع ابتدایی برای به کار گرفتن کودکان وجود ندارد، ولی می‌توان کودک را به کارهایی مناسب واداشت. چنان چه در مکاسب محرمه شیخ انصاری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «فلا بأس ان یکون اجیرا یوجر نفسه او ولده او قرابته.» مانعی ندارد که انسان خود یا فرزند یا نوه خود را اجیر دیگری کند. (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۲۰/۱) ولی دولت اسلامی به خاطر مصلحت‌هایی سن ویژه ای را برای کارکردن کودکان در نظر گرفته است، از مصادیق رعایت مسئله سن در اسلام می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در اسلام شرکت در جنگ بر کودکان واجب نیست. در سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که: حضرت افراد نابالغ یتیم را تا پیش از رسیدن به سن بلوغ از «صدقه» بهره مند می‌ساخت و پس از رسیدن به سن بلوغ، جهاد بر آنان واجب می‌شود. (همان: ۲/ ۳۰۵) اگر آنان از شرکت در جهاد خودداری می‌کردند، ملزم می‌شدند که برای تأمین معاش خود کار کنند و دیگر صدقه به آنان پرداخت نمی‌شد. (واقعی، ۱۳۶۲: ۲/ ۹۷). امام خمینی رحمه الله در اهتمام به مصلحت نسل جوان می‌فرماید: محصلی که می‌تواند به کار مناسب با شخصیت خود مشغول شود، ولی کسب و کار مانع از اشتغال به تحصیل یا موجب کندی وی در راه کسب دانش باشد، می‌تواند از سهم سبیل الله (زکوٰه) استفاده کند؛ خواه تحصیل آن علم واجب عینی باشد یا واجب کفایی، و یا مستحب باشد. (امام خمینی، ۱۳۵۹: ۲/ ۹۷) بر عهده دولت اسلامی است که به خانواده‌های محروم توجه بیش تری داشته باشد و با کمک مالی یا فراهم آوردن شرایط کاری مناسب، مانع از استثمار و بهره کشی از کودکان گردد.

خداوند در آیه ۶ سوره ضحی، بهره مندی کودکان از محل آسایش و زندگی مناسب را از حقوق آنان و مسئولیت مومنان دانسته است. هر چند که این آیه در مقام امتنان بر پیامبر (ص) است، ولی با توجه به قلمدادشدن محل آسایش به عنوان نعمت خدا، می‌توان این گونه استنباط کرد که از حقوق طبیعی کودکان دسترسی به زندگی همراه با آسایش و آرامش و محیط مناسب رشد و بالندگی است، یعنی وظیفه پدر و مادر یا کسی که از کودک سرپرستی می‌کند این است که امکانات لازم برای کودک

فراهم کند تا کودک مجبور به کارکردن نباشد. البته از آیاتی دیگر چون آیاتی که درباره حقوق کودکان یتیم وارد شده می توان این معنا را نیز استنباط کرد که فراهم آوری زمینه های رشد و بالندگی از حقوق کودکان است.

همچنین از نیازهای طبیعی کودکان، بازی و گردش است. (یوسف، آیه ۱۲ و حدید آیه ۲۰ و المیزان، ج ۱۹، ص ۱۶۴) بنابراین فراهم آوری شرایط بازی، وسایل بازی و گردش کودکان از حقوق کودکان و وظیفه والدین، مؤمنان و دولت اسلامی است یعنی نیازی نیست کودک برای فراهم کردن این امکانات کار کند. از آیه ۸۲ سوره کهف می توان این معنا را استنباط کرد که کودکان علاوه بر وسایل بازی و امکانات رفاهی و شادی آور دوران کودکی از نیازهای دیگری نیز برخوردار هستند و آن حق آینده نگری نسبت به زندگی کودکان است. از این رو، شایسته است تا برای کودکان اندوخته ای گذاشته شود تا در آینده با مشکل مالی مواجه نشوند بنابراین از وظایف و مسئولیت های والدین این است که بخشی از اموال را برای آینده کودکان ذخیره سازی کنند و برای آنان به جای گذارند از این آیه استنباط می کنیم که وظایف والدین و مراقبان کودک منحصر به زمان کودکی نیست.

مراقبت از کودکان، در برابر حوادث و خطرها و برآوردن نیازهای اولیه آنان نیز از حقوق ایشان و وظایف دیگران است که در قرآن کریم آمده است (سوره یوسف، ۱۲). کودکان، نیازمند آموزش های درست و کاملی هستند تا بتوانند به رشد عقلانی دست یابند. از این رو در آیه ۶ سوره نساء از مؤمنان خواسته شده تا با آزمون های گوناگون شرایط رشد و بالندگی کودکان را درحوزه های گوناگون از جمله اقتصادی فراهم آورند. آزمون هایی که از سوی بزرگترها انجام می گیرد می بایست در راستای رشد و بالندگی کودکان باشد؛ چنان که بازی های کودکان نیز با این هدف مورد توجه قرارگیرد و از هر آن چه که موجب ناتوانی جسمی و روحی و روانی کودک می شود جلوگیری به عمل آورد.

کارکردن کودک دو حالت دارد: صورت اول: کودک خودش برای انجام کار اجیر شود. از مجموع مباحث گذشته روشن گردید که به اتفاق فقها بلکه به ضرورت فقه، کودک اهلیت تصرف در مال خود و کار خود که به منزله مال است و تعهد مالی ایجاد می کند را ندارد، بنابراین نمیتواند برای انجام کار اجیر شود، هم چنین جایز نیست کارفرما تحت هیچ عنوانی او را برای کار اجیر نماید، اعم از این که کاری که کودک برای انجام آن اجیر می شود حلال باشد یا حرام، آثار و تبعات مثبت داشته باشد یا منفی، سخت و مشکل باشد یا آسان و سبک. در فرض مزبور کارفرمایی که کودک را اجیر نماید و یا با هر عنوان دیگری او را وادار به انجام کار نماید، از جهت حکم تکلیفی مرتکب حرام شده و استحقاق تعزیر دارد، زیرا اجیرنمودن کودک بدون اجازه ولی شرعی او، حرام است و فقها درمباحث فقهی اثبات نموده اند مرتکب حرام مستحق تعزیری باشد، به عنوان نمونه علامه حلی مینویسد: «در هر جرم و گناهی که شارع مقدس برای مجازات آن حدی تعیین ننموده، تعزیر واجب است». (علامه حلی، ۱۳۱۵ ه. ق: ۲/ ۲۳۹) اما از جهت حکم وضعی، به نسبت کاری که انجام شده باید حق الزحمه، به ولی کودک پرداخت شود، تا برای وی نگهداری نماید.

صورت دوم: ولی شرعی، کودک را اجیر قرار دهد. اگر ولی شرعی (اعم از پدر، جد پدری، وصی آن دو، قیم و حاکم) تحت عنوان اجاره و یا عنوان دیگری کودک ممیز را برای کاری که قادر به انجام آن است، اجیر قرار دهد یا به او اذن دهد تا خود اجیر شود، این صورت خود به دو بخش تقسیم میشود.

قسم اول: ولی او را برای انجام کارهایی که شرعاً حرام است یا برای کودک ضرر دارد (اعم از ضرر جسمی ادراکی، اخلاقی و اجتماعی، عاطفی و روانی و...) اجیر قرار دهد. بی تردید ولی چنین حقی را ندارد. عمل او در فرض مزبور از جهت حکم تکلیفی حرام و از جهت حکم وضعی باطل است و برای مستأجر حقی ایجاد نمیکند. دلایل آن عبارت است از:

الف: ولایت ولی در امور مالی و غیر مالی به اتفاق فقها مشروط به رعایت مصلحت کودک میباشد. بدیهی است در صورتی که کار برای کودک ضرر داشته باشد، اجیر نمودن وی برای انجام آن به مصلحت او نیست، حتی در صورتی که وجود ضرر و عدم آن مورد تردید باشد، جایز نیست ولی در این باره اقدام نماید. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ ه. ق: ۲/ ۱۵۳) به عبارت دیگر، همان گونه که بعضی از فقها فرموده اند درجواز تصرفات ولی، در اموال کودک احراز مصلحت شرط است و مصلحت واقعی که در ظاهر مورد تردید باشد کفایت نمی کند. (خوئی، ۱۴۱۰: ۲/ ۲۱)

ب: در قرآن کریم آمده است: مادر و هم چنین پدر حق ضرر زدن به کودک را ندارد. (لا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ) ۲. این آیه شریفه هرچند در مورد حکم رضاع و شیر دادن به نوزاد وارد شده، ولی اطلاق آن مسأله مورد بحث را نیز شامل میشود و از آن استفاده میشود ضرر زدن به کودک در هر مورد از جمله اجیر قرار دادن وی برای کاری که به مصلحت او نمیباشد، جایز نیست.

ج: قاعده لاضرر، با این توضیح که ولایت ولی بر کودک حتی در موردی که برای او ایجاد ضرر نماید، شرعاً جعل نشده است، بنابراین ولی حق ندارد در موردی که کار برای کودک ضرر دارد او را وادار به انجام آن کار کند.

د: اطلاق ادله حرمت ظلم مسأله مورد بحث را شامل میشود، زیرا بیتردید وادار ساختن کودک برای کاری که ضرر بر اوست و پیامد منفی دارد، ظلم به وی میباشد و ظلم از نظر شرع، عقل و عرف حرام و مرتکب آن مجرم است. در این قسم نیز اگر ولی طفل با علم و آگاهی اقدام نماید مستحق تعزیر میگردد. (انصاری، ۱۳۹۱ ه. ش: ۲/ ۳۱۱-۳۱۰)

قسم دوم: ولی، کودک را برای کاری که برای او ضرر ندارد و قادر به انجام آن می باشد، اجیر قرار دهد یا به او اذن دهد تا اجیر شود. مشهور فقها این قسم از کار کودک را مکروه میدانند. (محقق حلی، ۶۷۰ ه. ق: ۲۲)

قاعده اضطرار: واقعیت امر این است که حذف کامل پدیده کار کودک شاید حتی با اشتغالزایی و توسعه اقتصادی نیز امکانپذیر نباشد، چرا که به عنوان نمونه، کار کودک در کشورهای توسعهیافته که به رشد بالای اقتصادی نیز دستیافتهاند هم وجود دارد (هلد و مک گرو، ۱۳۸۲: ۸۸-۸۷) امروزه دیگر برخی طرفداران حقوق کار از لغو کار کودک کمتر حرف میزنند، بلکه سخن این است که کار کودک قانونمند شده و به رسمیت شناخته شود، برای آن حقوقی معادل کار بزرگان در نظر گرفته میشود و از بیمه اجتماعی برخوردار باشند و... هرچند قبل از ظهور سرمایه داری کار کودک به صورت خانه شاگردی یا همراه با خانواده وجود داشته است اما آن نوع کار بیشتر جنبه آموزشی و جنبه آموزش ورود به زندگی را داشت و در حقیقت کودکان بخشی از دوران آموزشی خود را به آن صورت می گذراند (سید میرزایی، ۱۳۷۸: ۱۵).

پذیرفتن پدیده کار کودک و تلاش برای قانونمند ساختن آن، ما را به مقوله اضطرار رهنمون می سازد. اضطرار یکی از عناوین ثانویه در فقه شیعه است، که به خاطر آن، حکم اولیه برداشته میشود. و اضطرار گاهی در فعل و گاهی در ترک فعل میباشد. و به عبارت دیگر؛ اضطرار به مجبور شدن به انجام ارادی فعل با عدم رضایت قلبی، یا سلب کامل اختیار اطلاق میشود. اضطرار اگر ناشی از اکراه باشد، ضمان را از مضطر «مکره» برداشته و متوجه اکراهکننده میکند؛ اما اگر ناشی از اکراه نباشد، مضطر ضامن است. مانند فردی که به خوردن غذای دیگری اضطرار پیدا میکند که در این صورت ضامن قیمت آن است.

اضطرار در بحث معاملات به این صورت است که معامله مضطر در صورتی که اضطرار او ناشی از اکراه باشد باطل است، مانند آنکه فردی به اجبار دیگری، خانه اش را بفروشد؛ اما اگر اضطرار وی ناشی از اکراه نباشد، معامله درست است، مانند آنکه انسان برای درمان بیماری مجبور به فروش خانه خویش گردد (نجفی، ۱۳۹۵: ۴۲۸) قانون مدنی در ماده ۲۰۶ ضمناً اعلام اعتبار ماده ی اضطراری اقدام به معامله کند مکره محسوب نمی شود و معامله اضطراری نافذ است. گاهی اوقات کودکان باینکه نباید کار

کنند و معاملاتی که با بسته می شود اگر با اجازه ولی نباشد باطل است اما به دلا یلی که ذکر شد کار می کنند. (میدانی و عبدی، ۱۳۹۵: ۳۴).

وقتی صحبت از کار کودکان در شرایط اضطرار می شود منظور کودک به معنای اخص است که به فعالیت‌هایی اطلاق می شود که از لحاظ روانی، جسمی، اخلاقی و اجتماعی نظر به وضعیت کودک برای وی مضر است و کودک از نظر قلبی راضی به چنین کاری نیست چون در شرایطی قرار گرفته است که به درآمد آن برای حفظ سختی و بقای خود و خانواده اش نیاز دارد که آن کارها را انجام دهد. (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷: ۲۳۷) انجام این کارها از نظر قانونی صحیح است چرا که طبق ماده «۲۰۶ اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند، کره محسوب نشده و معامله ی اضطراری معتبر خواهد بود. با توجه به این ماده معاملاتی که در شرایط اضطرار برای فرد پیش می آید و فرد اقدام به انجام آن میکند معاملات و کارهای که صحیح است اما این گونه کارهایی که توسط کودکان انجام می شود نیازمند به حمایت قانونی کودک توسط دولت می باشد که در ازای این کارها مزد مورد نظر را دریافت کنند. چون کمبود و خلاهای قانونی باعث شده کودکانی که محتاج و نیازمند یا به اصطلاح فقهی مضطرب هستند برای پیدا کردن کار و رفع احتیاجات خود و خانواده. هایشان به دام بیفتند. (همان، ۲۳۸).

رعایت مصلحت در اشتغال کودک

تجویز اشتغال اطفال امری مصلحت پایه است. بر این اساس میتوان گفت رعایت مصلحت طفل مهمترین شرط فقهی برای اشتغال طفل به صورت استثنایی است، زیرا همان طور که بیان شد اولاً مصلحت دارای ابعاد مختلفی از جمله مالی و جسمی و است و میتوان در تمام جوانب رعایت حال طفل و مصالح آن را در نظر داشت و همین طور با تبیین مصادیق عینی و رجوع به مصلحت نوعی اطفال، این مهم را به خوبی در قالب مواد قانونی مشخص بیان کرد که به حمایت بیشتر اطفال بینجامد. افزون بر آن الزام ولی و قیم به رعایت مصلحت شخصی طفل میتواند مصالح وی را با توجه به ویژگیهای شخصی او محقق سازد. بنابراین، باید با رعایت ظرافتهای کار اطفال و رعایت خصوصیات طفل، او را در جریانی سالم از جامعه پذیری قرار داد. در آنجا این امر نباید مفسده و ضرری برای طفل به دنبال داشته باشد، بلکه باید مصلحت و نفع روشن و قاطعی برای این امر وجود داشته باشد. گستره مصلحت میتواند تمام جنبه های جلب منفعت و دفع مفسده در مورد اشتغال طفل را در بر گیرد و الزاماً یک معیار سلبی دفع مفسده نخواهد بود، بلکه اگر جنبه ای اجباری نداشته باشد مصلحت طفل رعایت نشده است.

زمانی که صحبت از مصلحت طفل به میان می آید به نظر میرسد که مصلحت طفل امری کاملاً شخصی است و باید با توجه به معیارهای شخصی در اطفال انتخاب شود و در طفلی به طفل دیگر متفاوت است همین طور با توجه به اینکه ولی طفل اعمال کننده و تشخیص دهنده مصالح است به خوبی میتواند با توجه به شرایط طفل تصمیم بگیرد. (تبریزی، بی تا: ۱/ ۳۳۷) شهید ثانی قدس سره در توجیه کراهت داشتن کسب کودک میفرماید: «این شبهه وجود دارد که کودک به دلیل عدم آگاهی یا به این جهت که میداند مرفوع القلم است و ارتکاب حرام در حق او حرام نیست، مرتکب اموری شود که شرعاً حلال نیست، به این جهت کار او مکروه است». (عاملی، ۱۳۸۶ ه. ق: ۳/ ۲۲۰).

برخی دیگر از فقیهان این دیدگاه را به صورت دیگری توجیه نموده و فرموده است: «مقصود فقها این است که تصرف ولی در اموالی که کودک کسب کرده مکروه است، زیرا این شبهه وجود دارد که در حین کسب از محرّمات، به دلیل عدم آگاهی از مسائل یا به دلیل این که مورد مؤاخذه قرار نمیگیرد، اجتناب نکند، بنابراین مکروه است چنین اموالی را خرید و یا فروخت». (مقدس اردبیلی، ۱۴۲۲ ه. ق: ۱۹/۸) با این توجیه نفس کار کودک مکروه نیست، بلکه دخالت در درآمد آن مکروه است.

بنابراین، صرف نظر از این که مقصود فقها از مکروه دانستن کار کودک در فرض مزبور چیست، وادار نمودن کودک به کار و اجیرقرار دادن وی برای انجام آن فقط در صورتی صحیح است که ولی او را برای کار حلال که قادر به انجام آن میباشد و هیچ نوع ضرری برای وی ندارد، اجیر نماید یا اذن دهد که خودش اجیر شود، البته در این فرض نیز چنان چه گذشت بسیاری از فقها آن را مکروه دانسته اند.

آثار حقوقی ناشی از سوء استفاده کردن از کودکان کار

ممکن است اشخاص تحت عناوینی متعدد باعث ضررزدن به کودک شود، مثلاً با به کارگیری اطفال زیر سن قانونی یا تحت عناوین جزئی غیر شرعی و غیرقانونی به او ضرر وارد کند؛ مانند سوء استفاده برای تکدی گری، استفاده از آنها در جیب بری، دست فروشی، استفاده منفی از کودکان برای معرکه گیری. (منظمی، ۱۳۹۷: ۱۴۱).

طبق ماده ۷۹ قانون کار، به کار گرفتن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است؛ که این ملاک در مورد دختر و پسر یکسان بوده و ضمن اینکه سال قمری در قانون نیامده است. لذا طبق اصل ۱۷ قانون اساسی مبنای محاسبه برای مراجع قانونی تاریخ هجری شمسی می باشد. (موحدیان، ۱۳۸۱: ۷۹).

به استناد این ماده کارفرمایان مشمول قانون کار نمی توانند افرادی را که سن قانونی آن ها زیر ۱۵ سال تمام باشد را به کار بگیرند. (احمدی، ۱۳۸۱: ۶۰).

قانون گذار در مقابل برخی از این سوء استفاده ها به لحاظ رواج یافتن فراوان آن واکنش نشان داده و اطفال را به نوعی از حمایت تقنینی کیفری بهره مند کرده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) استفاده از اطفال برای تکدی

تکدی در معنای لغوی به معنای « حاجت خواهی از این و آن در کوی و برزن، گدایی، صدقه خواستن » می باشد. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۴ / ۶۰۴۸). و از منظر اجتماعی متکدی به دلیل قرار گرفتن سر راه مردم برای جلب توجه و ترحم، اصرار و سماجت در فروختن کالاها و گزینش پول و داشتن ظاهری نامناسب به عنوان یک فرد مزاحم تلقی می گردد و به علت شدت نیاز از یک سو و عدم التزام و پایبندی مؤثر نسبت به هنجارهای اجتماعی به عنوان عنصر نا بهنجار شناخته می شود. (بیگی، ۱۳۸۴: ۹۵).

از منظر بزهکاری جرم تکدی گری به عنوان یکی از مهمترین آسیب های اجتماعی به حساب می آید این معضل که برخلاف نظم عمومی جامعه است یکی از مهم ترین جرائم محسوب می شود که با در نظر گرفتن، آداب، سنت ها، وضع اجتماعی، معتقدات اخلاقی و دینی، اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور ما، می توان گفت که؛ این جرم توسط کودکان، رقم بالایی را به خود اختصاص داده است.

متکدیان برای رسیدن به مقاصد و اهداف شوم خود اغلب از کودکانی که در جامعه دچار آسیب های اجتماعی هستند و اشخاص غیر بالغ استفاده می کنند از این رو میتوان گفت که اطفال مهمترین گروه از بزه دیدگان این جرم محسوب میشوند؛ حتی در جامعه کنونی ما استفاده از اطفال برای تکدی و گدایی به عنوان یک رسم در قالب اجاره کردن و اجاره دادن درآمدی است، که زشتی این پدیده را بیش از پیش نمایان می سازد، اجاره دهندگان اغلب پدر و مادرها و سرپرستان قانونی معتادی هستند که توانایی و صلاحیت نگهداری بچه هارندارند و حتی خود نمی توانند کودکان را وادار کنند که برای خودشان تکدی گری کنند. و اجاره کنندگان نیز متکدیان با سابقه ای هستند که از این راه درآمد زیادی بدست می آورند و مورد اجاره؛

کودکان بی گناه و بی پناهی هستند که با اکثر آن‌ها از اول زندگی با این تلخی‌ها آشنا شده‌اند و به آن‌ها تلقین شده است که اینگونه کارکردن حق آن‌هاست راه ادامه زندگی است، همیشه از فرد کارفرمای خود ترس دارند و اوامرش را اجرا می‌کنند، آموزش این افراد به عنوان متحدی سخت نیست خیلی زود مانند بازیگران نقش کودکان مریض، فلج را اجرا می‌کنند و حس ترحم و دلسوزی را در مردم کوچه و بازار برانگیخته می‌کنند، و درآمدهایشان را به متکدیان خود تحویل می‌دهند. علاوه بر این، گروه‌های حرفه‌ای از آنان در گریم کردن آنان به شکل بیمار و فلج ماهرند و با رنگ و وسایل متعدد قسمتهایی از دست و پای اطفال را گچ گرفته و یا بدن و دست و پا صورت آنان را دقیقاً شبیه افراد سوخته در می‌آورند و از این راه درآمد‌های کلان دارند. (منظمی، ۱۳۹۷: ۱۴۲).

در قانون حقوق ایران می‌توان گفت که در قوانین قبل از انقلاب، سوء استفاده از اطفال برای تکدی به صورت مستقل جرم انگاری نشده، در قوانین بعد از انقلاب اسلامی ایران در و کتاب‌های قانونی تا سال ۱۳۷۵ مستند قانونی مبنی بر بزه تلقی شدن تکدی و همچنین استفاده از تکدی پیدا نمی‌شود. پس می‌توان گفت که نظریه قانون ایران تا سال ۷۵ جرم زدایی از اعمال ذکر شده بوده است، تا اینکه به لحاظ ضرورت موضوع و اشاعه فراوان آن و تاکید فراوان قانون‌گذار در خصوص حمایت از اطفال بزه دیده، در سال ۱۳۷۵ مقنن طی ماده ۷۱۳ «تعدیرات و مجازات‌های بازدارنده» به صراحت اعلام کرد که «هر کس طفل یا... را وسیلهٔ تکدی قرار دهد یا... به سه ماه... (همان، ۱۴۳)

اطفال اگر برای تکدی به کار گرفته شوند علاوه بر قبیح وزشت بودن عملشان، زمینه خطرناکی برای آینده آنها و رشد شخصیتشان می‌شود، کودکان از همان اوایل مراحل شکل‌گیری شخصیت، در محیطی پست و تحقیر آمیز قرار می‌گیرند و روحیه‌ای پیدا می‌کنند که ارتکاب جرم برای آنها بسیار عادی انگاشته می‌شود و انجام آن برایشان آسان است. بنابراین مهم است که قانونگذار مجازات کسانی را که کودکان را وسیله تکدی و کارهای سخت و زیان آور قرار می‌دهند به مراتب بیشتر از دیگران تشدید نماید و برای حل این معضل و آسیب اجتماعی تلاش‌های همه جانبه‌ای صورت گیرد.

اقدامات قانونی درباره کودکان کار خیابانی کشور ایران در سال‌های اخیر

هیأت وزیران در جلسه‌ای در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۶ بنا به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی را تصویب نمود که برخی از موارد آن را به طور خلاصه می‌آوریم:

ماده ۹ - سازمان بهزیستی کشور موظف است با مشارکت و همکاری سازمانها و نهادهای ذیربط نسبت به راه اندازی مراکز سطوح چهارگانه موضوع این آیین‌نامه در کلیه مراکز استانهایی که با مشکل کودکان خیابانی مواجه می‌باشند اقدام نماید.

ماده ۱۰ - سازمان بهزیستی کشور مجاز است از محل اعتبارات ساماندهی کودکان خیابانی نسبت به جذب نیروی متخصص مورد نیاز به صورت قراردادی با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اقدام نمایند.

ماده ۱۱ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور وظیفه دارد اعتبارات مورد نیاز جهت اجرای این آیین‌نامه را تأمین و در اختیار وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قرار دهد.

ماده ۱۲ - وزارت رفاه و تأمین اجتماعی هماهنگی اجرای این آیین‌نامه را بر عهده دارد و این کار را توسط شورایی متشکل از دستگاه‌های ذی ربط در ماده (۶) به انجام می‌رساند و هر شش ماه یک بار گزارش اقدامات انجام یافته را تحلیل و جمع بندی و به شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی ارایه خواهد کرد (عارف، ۱۳۸۴: آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی).

ارتباط تقویت یافته مددکار اجتماعی با کودک خیابانی که جلب اعتماد و پذیرش ارتباط ازسوی کودک خیابانی را به همراه دارد.

این فعالیت با هدف آگاه نمودن کودک خیابانی از منابع و خدماتی که می تواند در اختیار او قرار گیرد انجام می پذیرد.

۵ - اقامت: حضور کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت کودک خیابانی در مراکز اقامت که شامل سه سطح زیر می شود:

الف - اقامت کوتاه مدت: حضور کودک خیابانی در مرکز اقامت حداکثر به مدت ۲۱ روز

ب - اقامت میان مدت: حضور کودک خیابانی در مرکز اقامت بیشتر از ۲۱ روز تا یک سال

ج - اقامت دراز مدت:

حضور کودک خیابانی بی سرپرست یا بدسرپرست در مراکز شبانه روزی تا پایان ۱۸ سالگی مطابق با آیین نامه مراکز شبانه روزی سازمان بهزیستی کشور.

تبصره - در موارد استثنایی و در صورت ضرورت با نظر تیم تخصصی مدت اقامت حداکثر یک دوره قابل تمدید می باشد (همان). سازمان بهزیستی کشور موظف است با همکاری و مشارکت شهرداری، انجمن های خیریه، تشکلهای غیردولتی و نیروی انتظامی و با استفاده از مددکار اجتماعی در قالب تیم تخصصی سیار یا مستقر در مراکز که با همکاری شهرداری ها سازماندهی خواهد شد، نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی در کلیه مراکز استان ها و در صورت موافقت کارگروه اجتماعی استان در شهرهای بالای دویست هزار نفر اقدام نماید.

تبصره ۱ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است در مواردی که سلامت جسمانی و روانی کودک در معرض خطر جدی قرار می گیرد در امر جذب با سازمان بهزیستی کشور همکاری نماید.

ماده ۳ - در هر مرحله مسؤولیت پیگیری های پس از ترخیص کودک به عهده مرکز ترخیص کننده است و باید دیگری های لازم بعد از ترخیص هم انجام شود.

ماده ۴ - در صورت تحویل کودکان خیابانی به خانواده، بهزیستی استان ها و سایر نهادهای حامی وظیفه دارند در زمینه حمایت مادی و معنوی خانواده اقدامات لازم را انجام دهند و هر شش ماه یکبار گزارش اقدامات خود را به سازمان بهزیستی کشور و کارگروه اجتماعی استان اعلام نمایند.

ماده ۵ - اداره کل بهزیستی استان ها به منظور تأمین هماهنگی بین بخشی و استفاده از همکاری سایر سازمان ها و ادارات کل موظفند مسائل مربوط به ساماندهی کودکان خیابانی را به طور مستمر در کارگروه اجتماعی استان مطرح و نسبت به جلب همکاری و مشارکت سازمان ها و نهادهای مربوطه اقدام نمایند.

خوشبختانه چند سال است که آموزش و پرورش طرح (نماد)، مخفف؛ نظام ملی آسیب های اجتماعی دانش آموزان، را در مدارس اجرا می کند که مدیر و معلمان مدرسه می توانند با ثبت موارد و مشکلات مربوط به دانش آموزان، مشخصات دانش آموزانی که دچار این آسیب های اجتماعی هستند رابه صورت محرمانه به اطلاع مراجع بالادستی برسانند.

کار کودکان در فضای مجازی

امروزه با واژه ی جدیدی با عنوان کودکان کار در فضای مجازی یا کودکان کار اینستاگرامی برخورد می کنیم، که این کودکان برخلاف کودکان کار در دنیای واقعی فقیر نیستند، کودکانی که روزمرگی هایشان باهدف کسب درآمد در فضای مجازی نمایش داده می شود، لازم به ذکر است که این کودکان و کارهایشان در فضای مجازی طرفداران زیادی دارند و با آسیب ها و مشکلات

فراوانی روبرو می شوند. کودک کار پیش از این به کودکانی گفته می شد که در خیابان از طریق فروش کالا یا جمع آوری زباله و ضایعات کسب درآمد می کردند اما دسترسی آسان به شبکه های اجتماعی و اینترنت باعث ظاهر شدن نوع دیگری از کودکان کار با شرایط متفاوت نسبت به کودکان کار سنتی شده است (حسینی اکبر نژاد، هاله، جواهری آراسته، م، ۱۳۹۹: ۱۳۲-۱۰۷). قانون گذار در ایران اقدام به تصویب قوانین متفاوتی در مورد کارسنتی کودک کرده است، اما به معضل و آسیب اجتماعی و پدیده ی نوظهور کودکان کار مدرن توجه زیادی نداشته است. شاید به این دلیل است که آسیب های، بهره کشی و کار اجباری و استفاده ی ابزاری از کودکان در فضای مجازی چندان بزرگ به نظر نمی رسند. قانون گذار با اصلاح قوانین و جرم انگاری این رفتارها و تدوین قوانین مناسب و نظارت بر خانواده و فعالیت کودکان در فضای مجازی می تواند مسیری برای حل این معضلات پیدا کند.

فضای مجازی

اصطلاحی است که در کنار عبارت مشهور دهکده ی جهانی به کار می رود، علت آن این است که تمامی انسان ها را در نزدیک آراین دورترین نقاط جهان به هم وصل میکند؛ انسان هایی با ملیت، ادیان، عقاید فرهنگ و عرف متفاوت را به هم پیوند میزند. زیرا با به وجود آمدن فضای مجازی زندگی شخصی و اجتماعی عموم مردم با ورود به این پدیده تغییر پیدا کرد. می توان فضای مجازی را به شبکه جهانی متشکل از زیر ساخت های فنی و رایانه ایی و مخابراتی اطلاق کرد که در سطح جهان به یکدیگر پیوسته و مرتبط می باشند فضای مجازی شبکه ایی از کامپیوترها دانسته می شود که با استفاده از جلوه های سمعی و بصری مخاطب خود را به آن فضا جذب میکند.

اینفلوئنسر:

فعل **Influence** به معنای تاثیر گذاری است و ساده ترین معادل واژه ی **Influencer**، تاثیر گذار است. کسی که بتواند روی تصمیم و رفتار فرد دیگری تاثیر بگذارد، اینفلوئنسر به حساب می آید. البته طبیعی است که وقتی در مقیاس تجاری و در فضای کسب و، اصطلاح اینفلوئنسر به کار برده شود، به کسانی توجه دارد که می توانند بر روی تصمیم و رفتار تعداد افراد بیشتری تاثیر بگذارند. پس کثرت و فراوان بودن تعداد مخاطبان تاثیر پذیرا شخص، ملاکی است که بتوانیم کسی را اینفلوئنسر بنامیم.

کودک اینفلوئنسر

ادبیات بازاریابی، کودک اینفلوئنسر را فردی کم سن و سال تعریف می کند که در رسانه های اجتماعی مانند اینستاگرام، یوتیوب و... تاثیر گذار است و مخاطب و فالوورهای بسیاری زیادی دارد. این کودکان در زمینه های مختلفی مانند موسیقی، ورزش، بازی های ویدئویی، مدلینگ لباس و... فعالیت می کنند (دانشور، ۱۳۹۷: پنجمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی).

البته گروه دیگری از این کودکان نیز هستند که فعالیت خاصی ندارند و تنها با به اشتراک گذاشتن زندگی روزمره شان، مشهور شده اند.

فعالیت کودکان اینفلوئنسر، مصداق کار کودک تلقی می شود؟

مطابق ماده ۳۲ پیمان نامه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی (سال ۱۳۶۸ هجری شمسی) به عنوان قابل قبول ترین سند حقوق بشری در سراسر جهان، کشورهای طرفدار کنوانسیون از جمله جمهوری اسلامی ایران، موظف هستند حق کودک را برای تحت حمایت قرار گرفتن اطفال در ۴ مورد به رسمیت بشناسند و این ۴ مورد عبارت انداز:

۱- استثمار اقتصادی

۲- انجام هر گونه کار زیان بار

۳- انجام هر کاری که باعث ایجاد وقفه در آموزش کودک شود

۴- انجام هر کاری که برای بهداشت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و پیشرفت اجتماعی کودک مضر باشد.

مورد چهارم را می توان در ارتباط مستقیم با موضوع نقض حریم خصوصی کودک دانست. اینکه نا آگاهانه؛ خصوصیات ظاهری و رفتاری، عادات و مشکلاتش با میلیون ها انسان به اشتراک گذاشته شود هم امنیت خودش را از دست می دهد، هم حریم خصوصی اش بیش از حد شکسته می شود و هم سلامت روحی، اخلاقی و پیشرفت اجتماعی اش تحت تاثیر شکل گیری این شهرت و دوربینی که مدام بر روی او زوم شده، از بین رفته است.

اینستاگرام یکی از بسترهای رسانه ای جدید است که امکان حضور کاربران، از جمله والدین و کودکان را در فضای مجازی فراهم آورده است. کودکان کار اینستاگرامی، به پدیده ای نوظهور در فضای مجازی اشاره دارد که کودکان توسط والدین خود به خدمت گرفته می شوند تا از طریق به نمایش گذاشتن جنبه های مختلف زندگی و روزمرگی های خود، کسب درآمد کنند. در این میان، قدرت ارتباطی رسانه ها می تواند مفهوم کودکی را متزلزل کرده و حق حیات کودک را در راستای منافع شرکت های تجاری یا اقتصاد خانواده تضعیف کند. اینفلوئنسرها روز به روز کوچک تر می شوند. این آسیب تا جایی پیشروی کرده است که ما کودکان اینفلوئنسر را بیشتر از فرزند بستگانمان می شناسیم. این کودکان، نماینده یک تجارت خانوادگی اند. والدین بسیاری پشت صحنه تلاش می کنند تا محصول ها را فروخته و پول اندوخته شود. اما آیا این خانواده ها را می توان سرزنش کرد؟ خانواده هایی که معتقدند برای آینده فرزندان، یک کسب و کار دیجیتال می تواند مفیدتر از یک مدرک دانشگاهی بی اعتبار باشد.

مسئولیت محافظت از کودکان در فضای مجازی با کدام نهاد است؟

در کنار دولت ها؛ شرکت ها و ارائه کنندگان خدمات اینترنتی نسبت به محافظت از کودکان در برابر محتواها و کنترل رفتارهای مضر در فضای سایبری و تقویت مشارکت فعال آن ها در محیط جدید اطلاعات و ارتباطات مسوولیت خطیری بر عهده دارند. آن ها مسوولیت فراهم کردن زمینه ارتقای دانش، مهارت، درک، نگرش، ارزش های حقوق بشری و رفتارهای لازم برای شرکت فعالانه کودکان در عرصه زندگی اجتماعی و عمومی و مسئولیت پذیری آنان با محفوظ داشتن رعایت حقوق دیگران را بر عهده دارند. با توجه به موضوع محتوای غیر قانونی و یا مضر و همچنین خطراتی که در فضای مجازی برای کودکان وجود دارد، ارائه دهندگان خدمات اینترنتی باید اطلاعات مربوط به خطرات مواجهه با کمک به انتشار مطالب غیر قانونی در اینترنت، و جامعه بین المللی نیز همواره با مشکلات کنترل اطلاعات و توزیع مطالب زیان آور در اینترنت دست به گریبان است. در این میان بازیگران مختلفی، شامل دولت ها، سازمان ها در جامعه مدنی و نهادهای بین المللی و صنعتی که می توانند از گسترش مطالب غیرقانونی جلوگیری به عمل آورده و بر محتوای زیان آور کنترل داشته باشند. همه آن ها باید هم زمان و به طور مشترک بر امر کنترل و حفاظت از حقوق کودکان نظارت و حامی آن ها باشند.

عوارض کار کردن کودک در فضای مجازی

کار کردن کودک در فضای مجازی عوارض و مشکلات بسیار زیادی را در زندگی برای آنان به وجود می آورد.

اضطراب

یکی از عوارض و پیامد های کودکان کار فضای مجازی اضطراب است. کودکان کار مدرن به دلیل اینکه والدین به طور مداوم از آنها می خواهند که با ژست ها، حرف ها و رفتار های مختلف خود را به نمایش بگذارند؛ استرس و اضطراب بسیار زیادی را تحمل می کنند. این اضطراب به مرور زمان افزایش یافته و زندگی کودک را مختل می کند. کودک هر لحظه در حالبدیده شدن، پسندیده شدن و توجه افراطی است. و این اضطراب تا مدت ها، حتی بزرگسالی زندگی کودک را تحت تاثیر قرار می دهد.

تمرکز ضعیف

تمرکز ضعیف از دیگر عوارض و پیامد کودکان کار فضای مجازی است. کودکان کار مدرن به دلیل آنکه دائم در خدمت کار برای والدین هستند؛ و به دنبال کسب درآمد برای والدین می باشند، تمرکز بسیار ضعیفی در مراحل زندگی خود را تجربه می کنند. والدین چنین کودکانی تنها به منتشر کردن فیلم و عکس کودک می پردازند و اصلا به تربیت و مدیریت رشد کودک اهمیتی نمی دهند.

اثر مخرب بر هوش اجتماعی کودکان

کودکان کار فضای مجازی به دلیل اینکه دائم با فضای مجازی در ارتباط هستند و این فضا را تنها راه درآمدی برای والدین علاوه بر آن فعالیت هایی مانند بازی با همسالان، بودن در محیط واقعی و ارتباطات واقعی را کمتر تجربه می کنند، هوش اجتماعی آنها کاهش پیدا می کند. عوارض بسیار مخربی برای آنان دارد.

مشکلات خواب

یکی دیگر از عوارض کودکان کار فضای مجازی مشکلات خواب است. زمانی که کودکان کار مدرن دائم در حال فیلم برداری و انتشار فیلم های مختلف باشند، خوابشان به طور کل به هم می ریزد. و ریتم خوابی خود را از دست می دهند. مشکلات خواب به طور کلی فعالیت های روزانه کودک را مختل می کند و زندگی او را تحت تاثیر جدی قرار می دهد.

سو استفاده یا بهره کشی

از دیگر عوارض کودکان کار فضای مجازی می توان به سوء استفاده یا بهره کشی اشاره کرد. کودکان کار مدرن به شدت مورد سوء استفاده خانواده؛ پدر و مادر قرار می گیرند و دائم جلوی دوربین هستند. و همیشه باید نقش داشته باشند و بازیگری انجام دهند. این کودکان مورد سوء استفاده والدین قرار دارند و از آنها درآمد کسب می کنند.

کودکان کار فضای مجازی یا کودکان کار مدرن آسیب های روحی و جسمی بسیار زیادی را تحمل می کنند. به همین دلیل در صورت نیاز باید تحت درمان روانشناس کودک قرار بگیرند. کودکان بسیار حساس هستند و باید حتما تربیت اصولی مناسب

برای آنها در نظر گرفته شود. زمانی که کودکان کار فضای مجازی برای درآمد والدین تلاش می‌کنند؛ آسیب‌های زیادی را تحمل می‌کنند.

کار کودک در فضای مجازی در قوانین ملی و بین‌المللی

در بحث کودکان کار فضای مجازی در سطح جهان هم یونسکو و هم یونیسکف نهادهای پیشگام و پیشرو در این زمینه هستند. در سال ۲۰۱۷ یونیسکف، توصیه‌هایی برای پدر و مادرها درباره ورود کودکان به این فضا داشت. یونسکو نیز در جلسه‌ای به مسئله‌ی کار کودکان در فضای مجازی پرداخته است. همانطور که قانون اساسی کشورها هر ده سال باید تغییر کند و اصلاحاتی در آن ایجاد شود، حقوق‌دان‌های بین‌المللی نیز تاکید می‌کنند که کشورها در کمیته‌ی حقوق کودک سازمان ملل متحد جلسه گذاشته و با مدنظر قرار دادن جریان‌هایی که در دنیای دیجیتال اتفاق افتاده به توافق برسند و بعد کشورها به صورت جداگانه این مباحث را در قانونگذاری داخلی خود به اجرا بگذارند. (محسنی، ۱۳۹۰)، آموزه‌های حقوق کیفری: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره یک).

از منظر قانونی و در قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی که حقوق کودکان به رسمیت شناخته شده است و در سطح جهان، کودکان زمانی که به سن قانونی برسند می‌توانند از والدین خود به دلیل نقض حریم خصوصی خود شکایت کنند. از جمله می‌توان به ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک اشاره کرد که حق کودکان را محترم شمرده و بر حفظ حریم شخصی کودک در برابر تمام اشکال استثمار که هر یک از جنبه‌هایی، رفاه کودک را به مخاطره بیندازد، تاکید دارد.

در قانون ایران نیز قوانینی چون؛ قانون حمایت از کودک و نوجوان از حقوق کودکان حمایت می‌کند و اگر سوءاستفاده از کودکان به حدی باشد که مصداق کودک آزاری باشد و منجر به صدمات روحی، روانی و اخلاقی او شود جرم تلقی شده و مورد حمایت قانون قرار می‌گیرد. سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی، یکی از مهم‌ترین سندهایی است که در راستای تاکیدات رهبر جمهوری اسلامی ایران در مورد رها بودن فضای مجازی تدوین شده، چرا که بر آسیب‌پذیرترین بخش جامعه که کودکان هستند تاکید داشته و برای کاهش آسیب‌پذیری در این حوزه موثر است. در این سند، سیاست‌های کلان، اقدامات کلان و تقسیم کار ملی در حوزه مدیریت و راهبری، ایجاد محیط صیانت شده، توسعه محتوا و خدمات رده بندی شده، حمایت و مراقبت، فرهنگ سازی و ارتقای سواد فضای مجازی و تعاملات بین الملل تبیین شده است (سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی، ۱۳۹۰).

نتیجه گیری

اشتغال کودکان در معنای اصطلاحی بر اساس رویکرد حقوق ایران در قوانین و مقررات کار، اصولاً و جز در مورد ماده ۸۶ قانون امور حسبی که در راستای تعلیم و تربیت کودک و آماده سازی وی برای ورود به اجتماع تجویز شده ممنوع شده است، اما از دیدگاه فقهی در بسیاری از موارد، اختیار ولی کودک در به کار گماردن طفل در مشاغل مختلف مجاز تلقی شده است که برای آن حد و حدودی چون مصلحت طفل در به کارگیری در شغل مربوطه مهم شمرده شده است، که هم موجب حمایت از کودک می‌شود و هم دایره اشتغال کودکان را بسیار محدود می‌کند. در فقه امامیه عمل کسانی که با کودکان معامله می‌کنند حمل بر کراهت شده و چنین معامله ای بدین صورت توصیه نشده است. در هر حال چه با مجوز و چه بدون مجوز اگر کودکی بکار گمارده شود، اولاً بر پایه قاعده احترام، ضمان استیفاء، قاعده کل عقد یضمن بصحیحه، یضمن بفاسده و قاعده «کلما بطل العقد

یتحقق اجرت المثل عمل وی محترم و مضمون به حساب می آید و دوم اینکه چون اجرت المثل عمل وی از رهگذر بکارگیری منافع و خدمات طفل بدست آمده است خود کودک مالک آن شده است، اما این مالکیت به کیفیتی نیست که اختیار و استقلال کودک را در تصرف اقتضا کند. بنابراین، طفل در تصرف در اموال خود حتی آنچه با فعالیت خود به دست می آورد مشمول قواعد و چارچوبهای حجر حمایتی است اما در مورد موارد مربوط به اشتغال خودمی تواند از قاعده اذن در شی اذن در لوازم آن است بهره ببرد و در دستمزد ناشی از شغل به طور مستقل دخل و تصرف کند و یا از حقوق دیگر که مرتبط با اشتغال اوست بهره مند شود که قانون امور حسبی نیز به آن اشاره داشته است.

از طرفی تصرف سرپرست کودک، مخصوصاً قیم در نظام حقوقی ایران دارای قیود ویژه ای است و سرپرست طفل اعم از ولی یا قیم حق هرگونه تصرفی در اموال طفل را ندارند. در این میان اگر کودک باعث خسارت به کارفرما یا شخص دیگری شود، در مورد به کارگیری کودک در غیر مورد مصلحت کارهای غیر شرعی و قانونی با به کارگیری خلاف قوانین قانون کار، کارفرما، در فرض تقصیر سرپرست، ضامن است در غیر این صورت در فرض تقصیر هر کدام از طفل، سرپرست یا کارفرما می توانند مسئول قرارگیرند، افزون بر این اگر سرپرست طفل یا کارفرما از کودک سو استفاده کنند از سوی قانون مسئولیت مدنی و کیفری خواهند داشت.

در بررسی این قوانین به نظر می رسد در به کارگیری مصلحت در اشتغال کودکان کوتاهی شده و بازتاب دقیق و کاربردی در قوانین مربوطه وجود ندارد و علاوه بر آن نداشتن جهت گیری معین و مشخص و اختلاف بین ماده ۸۵ قانون امور حسبی در جواز اشتغال کودکان به منظور تربیت ایشان و ماده ۷۹ قانون کار در ممنوعیت اشتغال اطفال از یک سو باعث شده آثار تربیتی اشتغال اطفال رو به فراموش شدن رود و از سوی دیگر حتی در بعد حقوقی نیز به عدم کارآمدی کافی قانون در این زمینه منجر شده است.

علاوه بر آن هماهنگی لازم بین ارگان ها و سازمان های حمایتی همچون بهزیستی با مجریان قانون وجود ندارد و به همین دلیل سبب شیوع این پدیده شده است. قانونگذاری در این موارد شده است که به نظر می رسد این خلاء باید به وسیله آیین نامه هایی پر شود و همینطور اکثر این کودکان در کارگاه های کوچک که تحت نظارت قانون کار نیستند به کار گرفته میشوند و در این مورد نیز قانون دارای خلاء و کمبود و شکاف است و اصلاح آن و لزوم هم فکری با بقیه نهادها و تصمیم گیری همه جانبه به قید فوریت ضرورت دارد.

منابع

- قرآن کریم
قانون اساسی
- ابن محمد (ابن اسیر)، مبارک (۱۳۸۳ ق). *النهايه في غريب الحديث والاثر*، بيروت: المكتبة الاسلاميه
- ابن مكرم (ابن منظور)، محمد (۱۴۱۳) *لسان العرب*، بيروت: دارالصادر
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدين محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، لبنان، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - دار صادر، الطبعة الثالثة.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۱) *روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن*، مشهد: بنياد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی
- ابوالقاسم (میرزای قمی)، محمد حسن (۱۳۷۱). *جامع الشتات*، تهران: کیهان
- ابی حیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۸هـ. ق). *تفسیر البحر المحیط*، بیروت: دارالکتب العلمیه
- الامام العسکری، الحسن بن علی (۱۴۰۹) *التفسیر المنسوب*، قم: الامام المهدي (عج)
- امامی، حسن (۱۳۴۰) *حقوق مدنی*. تهران: اسلامیه
- انصاری، قدرت الله (۱۳۹۱). *احکام و حقوق کودکان در اسلام*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار
- انصاری، مرتضی (۱۴۴۰) *مکاسب*، قم: مجمع فکر اسلامی
- بانک جامع مقالات امام خمینی، جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰) *اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای اصفهان*
- تذکره الفقهاء ۱۰۸: ۱۳-۱۰۹؛ *الدروس الشرعیة* ۳۸۶: ۳؛ *مجمع الفائدة والبرهان* ۱۵۱: ۹؛ *مسالك الافهام* ۳۳: ۴۳۴
- حسینی، داوود (۱۳۸۱). *جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام*. قم: مرکز پژوهش های اسلامی
- خامنه ای، سید علی (۱۴۰۰). *اجوبه الاستفتائات*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
- خمینی، روح الله (۱۳۹۲). *موسوعه امام خمینی*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خوئی، ابوالقاسم (۱۳۷۵). *مصباح الفقاهه*، قم: موسسه ی انصاربان
- رضایی زاده، محمدجواد (۵۸۳۱). *حقوق اداری*. تهران: میزان.
- شیخ انصاری، مرتضی (۱۳۰۰هـ. ق) *المکاسب*، تهران: انتشارات دارالحکمه
- فلاح زاده، محمدحسین: ۱۳۸۴؛ *کتاب آموزش فقه*، صفحه ۲۳
- قزائتی، محسن (۱۳۹۲) *تفسیرنور*، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن
- محمدی، عبدالله (۱۳۹۲) *کودکان و نوجوانان در قیام عاشورا*. قم: مرکز پژوهش های اسلامی
- مرکز تحقیقات رایانه ای اصفهان (۱۳۹۰) *مجموعه قوانین کشور قانون مدنی*. اصفهان
- معین، محمد (۱۳۸۱) *فرهنگ معین*. تهران: امیرکبیر
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه
- منشور حقوق شهروندی (۱۳۹۲)
- منظمی، فاطمه (۱۳۹۷)، *بررسی اشتغال اطفال و آثار مترتب بر آن در حقوق ایران و فقه امامیه*، تهران
- نجفی، محمد حسن (۱۴۱۳) *جواهرالکلام*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴) صاحب الجواهر، بیروت: جواهر الکلام التراث العربی، دار إحياء
نیازی، محسن (۱۳۸۷)، کودکان خیابانی، انتشارات ثامن الحجج و علم و دانش
واقدی، محمدبن عمر، (۱۳۶۲) کتاب المغازی للواقدی، تحقیق الدكتور مارسدن جونس: مرکز نشر دانشگاهی
یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (۱۴۱۵ هـ ق) سؤال و جواب للسید الیزدی، تهران: مرکز نشر العلوم الإسلامی، چاپ اول